بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 27 فروردین 1391.

یکی از بحث هایی که بحث در بحث تعادل تراجیح باید مطرح شود این است که آیا اخبار علاجیه موارد جمع عرفی را شامل می شود یا خیر. جمع عرفی در واقع دو گونه است. یک جمع عرفی معیّن به اصطلاح ما و یک جمع عرفی لا متعیّن. گاهی اوقات عرف یک وجه جمع را متعیّن می بیند و دو دلیل را که با هم می سنججد بر طبق این وجه جمع مشی می کند. گاهی اوقات عرف می گوید که دو گونه وجه جمع وجود دارد یا سه گونه. بیش از یک گونه. امکان جمع دلیل به هر یک از این شکل ها را امکان پذیر می بیند. و این بحث در مورد اینکه آیا موارد جمع عرفی این دو تا را شامل می شود یا خیر. این دو مورد را. جمع عرفی متعین و جمع عرفی غیر متعیّن. البته آقای صدر یک بحث دیگر را مطرح کرده اند تحت این عنوان که آیا تعارض اگر مستوعب تمام مدلول نباشد حکمش چیست. یعنی عموم و خصوص من وجه حکمش چیست. بحث عموم و خصوص من وجه ولو از مصادیق جمع عرفی غیر متعیّن است معمولا ولی بحث هایی که آقای صدر کرده اند یک سری از آنها اختصاص به موارد عموم و خصوص من وجه دارد. این است که بحث آقای صدر غیر از بحثی است که ما طرح می کنیم. در واقع ما سه بحث را مستقلا طرح می کنیم که اینها در بعضی از قسمت ها وجه مشترک هایی هم دارند. یک بحث بحث اینکه آیا اخبار علاججیه جمع عرفی متعین را شامل می شود یا خیر و یک وجه اینکه اخبار علاجیه جمع عرفی غیر متعیّن را شامل می شود یا خیر که از مصادیق آن عموم و خصوص من وجه هست. البته یک بحث هم این است که حکم تعارض با عموم و خصوص من وجه چیست. البته عموم و خصوص من وجه را سابقا عرض کردیم که در واقع سه قسم عموم و خصوص من وجه داریم. عموم و خصوص من وجه گاهی اوقات ملحق به متباینین هست گاهی اوقات ملحق به عموم و خصوص مطلق هست و گاهی اوقات ملحق به خودش است. توضیح این که مجمع، گاهی اوقات، یعنی اینگونه عرض کنم که اخراج مجمع از تحت هر دو دلیل گاهی اوقات امکان پذیر است و گاهی اوقات از تحت یک دلیل امکان پذیر است دون الآخر. گاهی اوقات از اخراج وجه قدر مشترک از تحت هیچ یک از دو دلیل امکان پذیر نیست به دلیل اینکه آن قدر مشترک یا فرد ظاهرش است یا فرد مورد سؤالش است قدر متیقن از یک دلیل است. اینجور نکات سبب می شود که قدر مشترک را نشود اخراج کرد. اگر این حالت عدم جواز اخراجج نسبت به هر دو دلیل باشد در حکم تباین است. اگر نسبت به یک دلیل باشد در حکم عموم و خصوص مطلق است و اگر نسبت به هیچ یک از دو دلیل نباشد و هر دو را بشود اخراج کرد همین باب عموم و خصوص من وجه هست که صورت جمع عرفی غیر متعین که ما می گوییم یعنی این. و این هم این بحث.

خب حالا این اصل صورت مسئله. مرحوم شیخ اینجا یک سری بحث هایی مطرح فرموده اند که، البته صورت مسئله را در کلمات آقایان جمع عرفی متعیّن گرفته اند عموم و خصوص مطلق و به نحو اطلاق و تقیید به نحو جایی که با حمل مثلا دلیل امر بر استحباب بشود مشکل دو دلیل را حل کرد و امثال اینها. خلاصه موارد جمع عرفی متعیّن را مورد بحث قرار داده اند. مرحوم شیخ در رسائل فرموده اند که اخبار علاجیه موارد جمع عرفی را شامل نمی شود. از کلمات بعضی از علما خواسته اند استظهار کنند که شامل می شود و یک سری بحث ها را دنبال کرده اند. من حالا بحث را بیشتر سعی می کنم که در محور فرمایشات مرحوم آخوند در کفایه دنبال کنم. مرحوم آخوند در کفایه ابتدا این وجه را ذکر می کنند که اخبار علاجیه حکم شخص متحیّر را بیان می کند. و شخص متحیّر در جایی که جمع عرفی متعیّن وجود دارد عرف تحیّر ندارد. وقتی تخیّر نداشت اخبار علاججیه آنها را شامل نمی شود. این مطلب نحوه استدلال معنایش این است که یعطی عنکم الخبران المتعارضان یا خبران المختلفان، عنوان مختلفان ذاتا موارد جمع عرفی را شامل می شود به قرینه ظهور اخبار علاجیه در بیان حکم متحیّر هست که موارد جمع عرفی از تحت آن خارج شده است. لازمه مطلب این است. و الا اگر گفتیم که اصلا یعطی عنکم الخبران متعارضان موارد جمع عرفی را شامل نمی شود. یک تقریب این است حالا بعد بیشتر در مورد این تقریب صحبت می کنیم. اصلا عنوان خبران مختلفان در جایی هست که دو خبر جمع عرفی نداشته باشند. اگر جمع عرفی داشته باشند خبران مختلفان شامل حال آن نمی شود. آنجا بحث تحیّر و این جور چیزها لازم نیست که پیش بکشیم.

سؤآل:

پاسخ: توجه نکردید که چه می خواهم عرض کنم. یک موقعی ما می گوییم که موضوع سؤال که مختلفان هست اصلا موارد جمع عرفی عنوان مختلف بر آن صدق نمی کند. اگر عنوان مختلف صدق نکند حالا تعیّن داشته باشد یا نداشته باشد. به بحث تعیّن کاری ندارد. این یک تقریب. یک تقریب، تقریب مرحوم شیخ است که مرحوم آخوند به آن متعرض شده اند که آن این است که این تقریب لازمه اش این است که یعطی عنکما الخبران مختلفان شامل بشود چون دلیل ظهور دارد در اینکه می خواهد حکم تحیّر را بیان کند بنابر این ما بگوییم که موارد جمع عرفی را شامل نمی شود. این دو تقریب مختلف اساسی است که کاملا با هم دیگر تفاوت دارند. نه به خاطر اینکه عنوان مأخوذ در دلیل ذاتا شامل نمی شود. ذاتا شامل می شود یک قرینه سیاق قضیه که دارد حکم متحیر را بیان می کند منشأ اختصاص دلیل به خصوص مواردی که جمع عرفی ندارد است. و بین این دو تا تقریب یک تفاوت جدی دیگر وجود دارد. آن این است که اگر ما گفتیم اصلا خبران مختلفان خبرانی هستند که جمع عرفی ندارند ظاهرا مواردی که جمع عرفی لا متعیّن هم نداشته باشند عنوان مختلفان صدق نمی کند. چون بحث تحیّر نیست. اگر بحث تحیّر را مطرح کنیم در مواردی که جمع عرفی غیر متعیّن وجود داشته باشد عرف متحیّر است دیگر بالأخره نمی داند که باید چه کار کند. این را قرینه بر تصرف بر دیگری قرار بدهد یا آن را قرینه تصرف بر این یکی قرار دهد. پس اگر به قرینه تحیّر ما بخواهیم اخبار علاجیه را اختصاص به موردی بدهیم، تنها موارد جمع عرفی متعیّن را می توانیم خارج کنیم. اما اگر گفتیم اصلا مختلفان یعنی ناسازگار. مختلفان یعنی دو چیزی که با هم دیگر سازش ندارند. اگر آن باشد خب مواردی که امکان سازش بین دو دلیل هست عنوان ناسازگار آنها را شامل نمی شود و بنابر این حالا در مورد تقریب در مورد نحوه اش بیشتر صحبت می کنیم بعدا. می خواهم بگویم که این دو تقریب با هم دیگر کاملا متفاوت است. حالا تقریبی که مرحوم آخوند مطرح کرده اند را صحبت بکنیم بعد بر می گردیم درباره این تقریب صحبت می کنیم.

سؤال:

پاسخ: بله ناسازگاری به آن ربطی ندارد. ناسازگار یعنی با هم دیگر سازش ندارند دعوا دارند. نه به اعتبار اینکه موجب تحیّر می شود. ممکن است دو چیز یعنی مواردی که همه مواردی که تحیّر هست لازمه اش این نیست که ناسازگار باشد. دو دلیل ممکن است با هم دیگر بسازند ولی ما تحیّر داشته باشیم به دلیل اینکه نمی دانیم که کدام یک از اینها به نفع دیگری کنار می رود. جایی که دو دلیل اینها با هم دیگر فرض کنید دو برادر هستند ما می دانیم که ولو بدوا هم دعوا داشته باشند ولی بالأخره با هم دیگر کنار می آیند. آن جاهایی که کنار می آیند، اینجا نهایتا ما ممکن است نفهمیم که قضیه چه شد می فهمیم که دو تا معامله داشتند می کردند بالأخره یکی کوتاه آمد نمی دانیم که کدام یکی کوتاه آمد بالأخره تحیّر داریم ولی ناسازگار، مختلفان اینهایی که با هم جنگ دارند نزاع و درگیری دارند. ولی دو چیزی که درگیری ندارند یکی از آنها به نفع دیگری کنار می تواند بیاید. اینجا عرض کنم خدمت شما عنوان ناسازگار ممکن است بگوییم که صدق نمی کند ولی تحیّر داریم به هر حال در اینکه مفاد واقعی کدام هست یعنی به هر حال کدام یک از اینها قرینه در تصرف در دیگری هست خب ما شک داریم.

سؤال:

پاسخ: خب اینها می گویند که اصلا منشأ سؤال چه شده است که اینها سؤال کرده اند. چون اینها گیر کرده اند و نتوانسته اند که مسئله را حل کنند از اینها تحیّر را در آورده است. یا ببینید می گوید که کیف.... چه کنیم. به چه کنیم مبتلا شده اند و نتوانسته اند که مشکل را حل کنند سؤال می کنند که حالا ما مانده ایم که باید چه بکنیم. این تقریبی که پس بنابر این اولین تقریبی که اینجا مرحوم شیخ مطرح می کند این است که سؤالات اخبار علاجیه به قرینه اینکه در مقام رفع تحیّر هستند سؤالات به خاطر این است که تحیّر دارند می خواهند امام علیه السلام تحیّر آنها را برطرف کند، موارد جمع عرفی متعیّن را شامل نمی شود. این تقریب مرحوم شیخ است. مرحوم آخوند این تقریب را جواب میدهد. میگوید که در موارد جمع عرفی هم می شود سؤال کرد و مانعی ندارد. سه تا پاسخ داده اند. یک پاسخ این است که همین تحیّر بدوی که در موارد جمع عرفی هست کافی است برای اینکه سؤال را تصحیح کنیم ولی به هر حال موارد جمع عرفی ولو اینکه اگر دقت کنند بالمآل سر انجام کار خودشان مشکل را برطرف می کنند دو تا را که با هم دیگر بسنجند، یکی را قرینه بر تصرف در دیگری قرار می دهند ولی همان تحیّر بدوی که اینجا وجود دارد کافی است برای صحّت سؤال. این یک نکته.

سؤال:

پاسخ: خب ایشان همین را می خواهد بگوید. بحث ما عموم و خصوص مطلق است دیگر. ایشان می گوید در عموم و خصوص مطلق هم همین تحیّر بدوی هست و همین تحیّر بدوی صحت سؤال دارد. اشکال به شیخ می کند بنابر این شما می گویید موارد عموم و خصوص مطلق اخبار علاجیه نمی گیرد چون تحیّر نداریم و سؤال صحیح نیست امثال اینها نه سؤال صحیح است.

این عرض کنم خدمت وجود شما این اشکال اول مرحوم آخوند. اشکال دوم این هست که همین که نسبت به حکم واقعی تردید وجود دارد کافی است برای اینکه سؤال شود. ولو نسبت به حکم ظاهری تردید نباشد. همین مقدار کافی است برای اینکه سؤال شود. این یک مطلب. مطلب سوم اینکه ممکن است ولو عرف متعارف یک سیره ای در جمع عرفی دارد، این سیره عقلا احتمال داده می شود که شرع بر خلاف این سیره عقلا مشیی داشته باشیم. ببینید درست است عرف متعارف و عقلا در جایی که یک عامی باشند و خاصی وجود داشته باشند، خاص را قرینه بر تصرف در عام قرار می دهند. آن سیره عقلا وجود دارد ولی این سیره عقلا قطعی نیست که شارع حتما آن را امضا کرده باشد. ممکن است که شارع این سیره را رد کرده باشد. ممکن است که شرع مقدس در ارتباط با عام و خاص یک روش دیگری داشته باشد. روش عقلایی را نپیموده باشد پس بنابر این سؤال می کند اقا شما بفرمایید شما آیا اینجا ها روش دیگری نداریم این را یا داریم. این سه وجه. بعد البته مرحوم آخوند یک ادامه ای می دهد و اینکه اگر بگویید قدر متیقن، بعد البته می فرمایند که عناوینی که در اخبار هم اخذ شده است همه اش یا اکثرش موارد عموم و خصوص مطلق را هم شامل می شود حالا بعضی جاها کیف نسنع به کار رفته است که ظاهر این است که مثلا متحیّر بودند آن باعث نمی شود که سایر اخباری را که به این تعبیرات نیست را بخواهیم تخصیص دهیم به غیر موارد جمع عرفی. اگر بگویید قدر متیقّن غیر موارد جمع عرفی است این قدر متیقن خارجی نیست قدر متیقن در مقام تخاطب باید باشد و اینها به درد نمی خورد. تا اینجا مرحوم آخوند در مقام اشکال به مرحوم شیخ بر آمده اند. بعد می خواهند پاسخ بدهند. ایشان می فرمایند که اللهم الا ان یقال که بحث خاص و عام و مقیّد و مطلق و اینکه خاص قرینه بر تصرّف در عام هست. مقیّد قرینه تصرف در مطلق هست در همان زمان صدور روایات مطرح بوده است. روایات می گفته است که شما فقط یعنی در فعضی روایات داریم که ائمه معصومین علیه السلام به فقهای عامه ایراد می گرفتند که اینها به عام تمسک کرده اند و خاص آن را توجه نکرده اند. به منسوخ توجه کرده اند و اخذ کرده اند به ناسخش توجه نکرده اند. این جور نکات به اصطلاح عام و خاص و ناسخ و منسوخ و امثال اینها را در روایات به آن اشاره شده است و به هر حال روش استنباط بر پایه عمل به خاص دون العام استوار است. همین مطلب قرینه است حالا یا این را شما قرینه متصله فرض می کنید اگر قرینه متصله فرض کنید از اول مانع انعقاد ظهور روایات علاجیه در اطلاق می شود. این را به منزله قرینه منفصله بگیرید دلیل بر تخصیص اخبار علاجیه می شود و علی أیّ تقدیر حالا یا تخصیصا یا تخصصا اخبار علاجیه اختصاص پیدا می کند به مواردی که خلاصه غیر موارد عام و خاص و امثال اینها و لا اقل حالا اگر هم آن را نگویید که ظهور پیدا می کند این ادله در اختصاص، ظهور در اطلاق هم نخواهد داشت. مجمل می شود وقتی که مجمل شد ما سیره عقلایی که نسبت به سیره عقلا ما سیره عقلا را داریم که ردع آن اثبات نمی شود. وقتی ردع آن اثبات نشد همین مقدار کافی است که ما برای آن سیره عقلا تمسک کنیم و خلاصه به آن اخذ کنیم. بعد یک فتأمل آخرش زده اند که بعد در مورد آن صحبت می کنیم.

اینجا چند نکته حالا بحث های اصلی اش بماند چند نکت ججزئی اش را الآن عرض می کنم بحث اصلی اش را بعدا عرض می کنم. یک نکته ای را هم مرحوم آخوند اشاره می کنند که در واقع این نکته اصل روح مطلب مرحوم شیخ است. ایشان می فرمایند در پاسخی که در نهایت به اشکال خودشان طرح می کنند آن این است که مجرّد اینکه شما می گویید که سؤال صحیح است، صحت سؤآل کافی نیست بای این که به ادله ظهور دهد در این که در مقام بیان اطلاق است. باید دلیل ظهور داشته باشد در اینکه مطلق موارد تعارض ولو تعارض غیر مستقر به تعبیر مرحوم آقای صدر آن موارد را هم شامل می شود.

سؤال:

پاسخ: اینها اصلا وارد آن بحث نشده اند که آیا کلمه اختلاف می شود. عرض کردم آن یک تقریب دیگری است که ما اصلا بگوییم مختلفان شامل آن نمی شود اینجور موارد. اصلا کل این بحث ها بر این پایه است که مختلفان شامل می شود ما دنبال یک قرینه ای هستیم که تخصیصا یا تخصصا مانع است.

سؤال:

پاسخ: نه حالا ببینیم ایشان می خواهند بگویند که آن سیره متشرعه ای که اینجا وجود دارد که موارد عام و خاص را قرینه بر عام قرار می دهند این خودش قرینه بر تخصص می شود. یعنی در واقع مرحوم آخوند در واقع به سیره متشرعه تمسّک می خواهند بکنند. بدل سیره عقلا. می خواهند بگویند که اینجاها به سیره عقلا نمی شود تمسک کرد. خب حالا ببینید یک سری ریزه کاری هایی را من اینجا ابتدا عرض کنم تا بحث اصلی اش بماند فردا انشاء الله صحبت می کنیم. یکی اینکه مرحوم آقای صدر همین فرمایش مرحوم شیخ را آورده اند همین ججواب یکی از جواب هایی که مرحوم آخوند ذکر کرده اند را ذکر کرده اند بدون آن دقت های بعدی و پاسخ هایی که ایشان مطرح کرده اند گفته اند که ممکن است شارع ردع کرده باشد و احتمال ردع همین مقدار کافی است برای اینکه سؤال مطرح بشود و اینها یک اضافه ای دارند اینکه خصوصا عمده ادله ای که در اخبار علاجیه هست روایت قطب راوندی هست. روایت عبد الرحمن بن ابی عبد الله هست که در اخبار علاجیه عمده استناد به او است که اصلا روایت بدوی است. در جواب سؤال سائل نیست که شما بگویید در مقام بیان تحیّر بوده است و سؤال کرده اند که ما با این تحیّر چه کنیم. خب حالا این اضافه ای که مرحوم آقای صدر دارند را نمی شود با آن موافقت کرد. چون در واقع ولو روایت بدوی باشد، روایت بدوی در پاسخ یک سؤالی که در جامعه مطرح بوده است یعنی او می گوید که در جامعه یک سؤال ارتکازی عمومی وجود داشته است مانده بوده اند که در مقابل اخبار علاجیه چه کار کنند، این منشأ صدور روایات شده است. یعنی در واقع ما برای شناخت روایات بدوی هم باید به خاستگاه روایات توجه کنیم. اینجور نیست که روایات همین جوری ایجاد شده باشد. یک سری روایت های متعارضی در جامعه بوده است و این روایات منشأ تحیّر شده است و باعث شده بوده است که نمی دانسته اند چه کار کنند ائمه علیهم السلام در مقام پاسخ این ابهامات بوده اند و برای حل آن مشکل این روایات صادر شده است. این که سؤال یعنی کلام امام علیه السلام در پاسخ سؤال سائلین باشد اینکه سؤال مصرّح باشد یا مضمر خیلی فرقی ندارد. علی أی تقدیر در پاسخ یک سؤال هست حالا چه سؤالی که صریحا یک راوی خاص مطرح کرده باشد یا سؤالی که در جامعه آن موقع مطرح باشد. امام علیه السلام در مقام پاسخ به این سؤال مطلبی را فرموده باشند. خب این یک نکته. نکته دیگر اینکه مرحوم آخوند دو سه تا وجه اینجا ذکر کرده اند. یکی اینکه لصحه السؤال بملاحظه التحیر فی الحال. همین تحیّر بدوی که وجود داشته باشد این سؤال را تصحیح می کند و این کافی است برای اینکه آیا واقعا اینجوری است که جایی که یک تحیّر بدوی هست ولو خود اینها هم چیز می کنند این تحیّر برطرف شود اینجا ها صحت سؤآل هست یا نیست خب خیلی من این چیزها را یک جواب خاص در تک تکش نداده اند یک جواب عام داده اند آن هم به جهت سیره متشرعه و امثال اینها. این یک نکته و یک نکته عام دیگری اینجا اصلا وجود دارد آن این است که ببینید مرحوم آخوند به سیره متشرعه در واقع متمسّک می شوند. ولی ما ممکن است بگوییم منهای سیره متشرعه همان سیره عقلا که وجود دارد منشأ می شود که اطلاقات از آن مورد سیره منصرف باشد. یعنی ببینید یک بحثی آقایان دارند در بحث ردع ادله ناحیه از عمل به ظن از سیره عقلا در عمل به خبر واحد. می گویند وقتی سیره عقلا وجود دارد اگر بخواهید شما با آن بدع کنید به اطلاقات نباید تمسک کنید. تمسک به اطلاق یعنی اطلاق کافی نیست آن سیره منشأ انصراف اطلاقات می شود. یک موقعی بحث سر این است که لغویت بحث لغویت را پیش می کشیم می گوییم که آقا در مواردی که جمع عرفی وجود دارد سؤال کردن لغو است. یک موقعی این است و یک موقعی می گوییم که با توجه به سیره عقلا که در موارد جمع عرفی خودشان می دانند چه کار کنند، متحیّر نیستند، ادله ظهور ندارد. نمی خواهیم بگوییم که لغو است اگر یک نصّ وجود داشت ما با نص صریحا سؤآل کرده بود که جمع عرفی هم دارد حالا ما چه کار کنیم. اصلا سؤال کند از نفس سیره عقلا. سؤآل کند که آیا سیره عقلا در جمع عرفی بین عام و خاص مقبول شما هست یا نیست. این اشکال دارد؟ اشکال که ندارد. بحث سر این نیست که، بحث مرحوم شیخ این است که با توجه به آن ارتکاز عقلایی که وجود دارد اطلاقات به آن ارتکاز مربوط می شود. و اگر شارع بخواهد بر خلاف ارتکازات عقلایی مشی کند، باید با الفاظ صریح بیان کند. اینگونه اطلاقات کافی نیست برای ردع آن سیره عقلایی که وجود دارد. خب این مطلب این جور نحوه پاسخ دهی که مرحوم آخوند دنبال کرده اند بعد هم رفته اند به سیره متشرعه تمسک کرده اند خیلی روشن نیست. یک نکته دیگری که هست این است که آیا سیره متشرعه من حالا لحن عبارت مرحوم آخوند را شما دقت کنید مرحوم آخوند مطلق موارد جمع عرفی را گویا ادعای سیره متشرعه به آن نمی کنند. یک سری موارد خاصی را ادعا می کند. ان التوفیق فی مثل الخاص و العام و المقیّد و المطلق کان علیه السیره القطعیه من لدن زمان الائمه علیهم السلام. یعنی یک سری جمع عرفی هم خودش دو قسم داریم. یک سری جمع عرفی هایی هست که خیلی روشن است و خیلی از جمع عرفی های واضح است. فوقش این است که این بیانی که شما دارید، موارد جمع عرفی روشن را شامل شود. ولی به نظر می رسد حالا این عبارت را دقت کنید بعد تقریب آن را عرض می کنم. به نظر می رسد که مرحوم آخوند همین که سیره متشرعه در موارد جمع عرفی روشن وجود دارد همین را قرینه قرار می دهد برای اینکه اصلا هیچ یک از موارد جمع عرفی، نه موارد جمع عرفی روشن و نه موارد جمع عرفی غیر روشن هیچ کدامشان مشمول ادلّه علاججیه نباشد. این چگونه است که شما سیره متشرعه را می گویید که در موارد عام و خاص و مطلق و مقید احراز شده است در سایر موارد مثلا یا اصلا نیست یا لا اقل احراز نشده است ولی این را قرینه قرار می خواهید بدهید برای اینکه آن روایات را مطلقا از موارد جمع عرفی چون یکی از اشکالاتی که اقای صدر هم مطرح می کند به سیره متشرعه همین است می گوید سیره متشرعه آن مقداری که ثابت هست، در موارد جمع عرفی روشن هست. در تمام موارد جمع عرفی را شما سیره متشرعه در موردش احراز نشود

سؤال:

پاسخ: نه روشن به متعیّن کاری ندارد. یعنی بعضی جمع عرفی ها هست فرض کنید که یک دلیل را ما حمل کنیم بر حکم حیثی. یکی از جمع های عرفی این است که یک دلیل بر حکم فعلی حمل می کنیم و یک دلیل بر حکم حیثی. یک مدل جمع عرفی هست که در کلمات مرحوم آخوند هم آمده است حالا مثالش را بعدا عرض می کنم. اینها انقدر روشن نیست که سیره متشرعه یعنی در قسمی از اقسام جمع عرفی ما می توانیم سیره متشرعه را می توانیم احراز کنیم. چون در روایات به آن اشاره شده است. در کلمات اصولی های قدما به آن اشاره شده است ولی

سؤال:

پاسخ: نه اصلا وارد و مورود داخل در این بحث نیست. وارد و مورود اصلا با هم دیگر تعارض ولو بدوی هم ندارند و حاکم و محکوم آن مثال های روشن حاکم و محکوم هم از مثال های روشن است آنها خیلی ابهامات چیز ندارد. یک سری موارد جمع عرفی هست که این موارد را ما نمی توانیم با این ادله اثبات کنیم. حالا این بحث را ملاحظه فرمایید اینجا مرحوم حاج شیخ در درر بحث هایی دارند آقای داماد مفصل در چیز مرحوم حاج شیخ بحث هایی دارند و اینکه حالا یک نکته ای را هم من عرض کنم تصور من این است که این بحث هایی که اینجا مطرح شده است که آیا اخبار علاجیه شامل می شود یا خیر اینجوری نمی شود بحث کرد. باید تک تک ادله را بحث کرد که این روایت شامل می شود یا خیر آن روایت شامل می شود یا خیر. بحث کلی اینجور نیست که یا باید بگوییم که همه شامل می شود یا همه شامل نمی شود. بحث باید جزء جزء در یکی یکی روایات بحث کرد و این است که یک مروری بر روایات بکنیم و ببینیم که این روایت که هست آیا شامل می شود یا خیر.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد